

آقای پروفیسور

چهار سال طلایی با برانکو

نویسنده: اصغر نیک سیرت

(مترجم برانکو ایوانکوویچ)

سال ۱۳۸۳ در حالیکه در خارج از کشور اقامت داشتم، برای مدتی به ایران بازگشتم. جنگ بوسنی پایان یافته بود و پس از آن مدتی در سفارت ایران در کرواسی مشغول به کار بودم ولی تحمل محیط کار در سفارت را نداشتم و پس از مدتی کار را رها کرده و به تهران بازگشتم. در ابتدای بازگشتم به ایران، مدتی بیکار بودم تا اینکه یک روز رضا چلنگر، یکی از دوستان دوران دانشجویی‌ام در یوگسلاوی سابق که او نیز به ایران بازگشته و در آن زمان مترجم میروسلاو چیرو بلاژیویچ در تیم ملی فوتبال ایران بود، با من تماس گرفت و گفت که تیم پگاه گیلان یک مربی صرب به نام میودراگ یشیچ آورده و همچنین مربی دروازه‌بانان بوسنیایی، سه بازیکن و یک کمک مربی صرب دیگر نیز به این تیم آمده‌اند و نیاز به مترجم دارند. تیم یک مترجم داشت ولی برای آن همه مربی و بازیکن خارجی، جوابگو نبود، لذا نیاز به یک مترجم دیگر بود. رضا به من پیشنهاد کرد که به این تیم بروم چون پول خوبی می‌دهند. فوتبال ایران هم سه سالی بود که حرفه‌ای شده بود که البته به طور کاملاً مضحکی حرفه‌ای بود و به جز پول هیچ نشان دیگری از حرفه‌ای‌گری در این ورزش دیده نمی‌شد.

به پیشنهاد و با هماهنگی رضا چلنگر، راهی رشت شده و تنها در یک جلسه‌ی چند دقیقه‌ای با آقای افشاریان، مدیرعامل وقت باشگاه، قرارداد خوبی امضا کرده و به همراه خانواده‌ام به رشت نقل مکان کردم. ظاهراً تیم پگاه گیلان همان شهرداری رشت بود که توسط شرکت لبنیات پگاه خریداری شده بود و دفتر مرکزی آن در تهران قرار داشت. ربط لبنیات با فوتبال را هرگز نفهمیدم. البته تا یکی دو سالی که از حضورم در فوتبال گذشت این رابطه را نمی‌فهمیدم و بعدها خیلی از اینگونه ربط‌ها را تجربه کردم و برایم عادی شد.

در آن سال، مسابقات انتخابی تیم‌های ملی برای صعود به جام جهانی ۲۰۰۶ در حال برگزاری بود و بعد از ناکامی بلاژیچ در دوره‌ی قبل، حالا کمک او مربی گمنام ولی جویای نامش برانکو ایوانکوویچ، رهبری تیم ملی را به دست گرفته بود. برانکو در آن زمان در کنار طرفداران خود، مخالفان زیادی هم داشت. عده‌ای سعی می‌کردند چوب لای چرخش بگذارند تا موفق نشود. حتی در خود فدراسیون هم مخالفینی داشت که کارشان از مخالفت گذشته و رفتارشان بسیار حقیرانه و مشمئز کننده بود. به عنوان مثال سال بعد از پگاه گیلان یعنی ۱۳۸۴ که با پیشنهاد برانکو برادرش زلاتکو هدایت تیم برق شیراز را به دست گرفت، من به عنوان مترجم او این بار از رشت به شیراز نقل مکان کردم. وقتی برای گرفتن نامه‌ای از فدراسیون فوتبال، خطاب به وزارت خارجه، جهت اخذ اجازه‌ی کار زلاتکو به تهران آمدم و سراغ فرد مسئول برای گرفتن نامه رفتم،